

تحلیل عوامل شخصیتی مؤثر بر موفقیت تعاونی‌های تولیدی کشاورزی

شهره کرمی^{۱*}، حسین آگهی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۲/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۷/۳۰

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تحلیل عوامل شخصیتی مؤثر بر موفقیت تعاونی‌های تولیدی کشاورزی بر اساس روش تحلیل مسیر^۳ به صورت توصیفی-همبستگی انجام گرفت. به این منظور، ۲۲۰ نفر از اعضای تعاونی‌های تولیدی کشاورزی (محصولات خارج از فصل) استان کرمانشاه انتخاب شدند. اطلاعات از طریق پرسش‌نامه جمع‌آوری شد و روایی آن براساس پانل متخصصان و پایایی آن با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ (۰/۸۷) تأیید شد. بررسی میزان تأثیر متغیرها بر موفقیت تعاونی‌های تولیدی با کاربرد تحلیل مسیر و نرم افزار SPSS انجام گرفت. یافته‌ها مبین ارتباط‌های پیچیده بین متغیرهاست و لذا مؤید فرض عدم وجود رابطه ساده و نشان‌دهنده وجود آثار غیرمستقیم عوامل شخصیتی، افزون‌بر اثر مستقیم، بر موفقیت تعاونی‌های تولیدی است. نتایج همچنین نشان داد وجود روحیه انعطاف‌پذیری دارای بیشترین اثر غیرمستقیم و کمترین اثر مستقیم است و علاقه به کار تولیدی بیشترین اثر مستقیم را بر موفقیت تعاونی‌های تولیدی دارد. به طور کلی، مجموع آثار مستقیم و غیرمستقیم نقش مهم عوامل شخصیتی در موفقیت تعاونی‌های تولیدی کشاورزی را نمایان می‌سازد.

واژه‌های کلیدی: عوامل شخصیتی، موفقیت، تعاونی‌های تولیدی کشاورزی، تحلیل مسیر

-
۱. دانشجوی دکتری توسعه کشاورزی، پردیس کشاورزی و منابع طبیعی، دانشگاه رازی کرمانشاه
* نویسنده مسئول
E-mail: shohrhkarami@yahoo.com
 ۲. دانشیار گروه ترویج و توسعه کشاورزی، پردیس کشاورزی و منابع طبیعی، دانشگاه رازی کرمانشاه
3. Path Analysis

مقدمه

تعاون یکی از الگوهای موفق اقتصادی- اجتماعی مطرح در جهان می‌باشد که توانایی قرار گرفتن در خدمت توسعه پایدار و برقراری عدالت را دارد. تعاونی‌ها با تأمین فرصت‌های شغلی و فراهم کردن جایگاهی مؤثر و کارآمد برای گروه‌های محروم در زمینه‌های متعدد می‌توانند به گونه‌ای در سازمان‌دهی برای دستیابی به منافع اقتصادی اجتماعی، به آن‌ها کمک کنند که پیش‌تاز باشند (وزارت تعاون، ۱۳۸۳). در ایران، به دنبال ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و تأکید ویژه این اصل بر ارتقا و افزایش سهم بخش تعاون در اقتصاد ملی به میزان ۲۵ درصد تا پایان برنامه پنجم، توجه به ارتقای سرمایه‌های انسانی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر پیدا کرد. در این راستا، فراهم نمودن زمینه‌های ارتقای سرمایه‌های انسانی در تعاونی‌های تولیدی، به عنوان نیروهای مولد جامعه، نمود بیشتری می‌یابد. یکی از این زمینه‌ها، نگرشی عمیق‌تر به تأثیر وجود عوامل شخصیتی در اعضا تعاونی‌هاست. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف تحلیل عوامل شخصیتی مؤثر بر موفقیت تعاونی‌های تولیدی کشاورزی به منظور روشن شدن آثار غیرمستقیم و مستقیم انجام شد که می‌تواند در جهت مقابله با چالش‌های پیش‌روی تعاونی‌ها و زمینه‌سازی به، منظور بهبود اساسی‌ترین ارکان پایداری در این تشکل‌ها به عنوان بسترهای مهم کارآفرینی، مؤثر باشد تا در نهایت، این تشکل‌ها در حکم مؤسسات مردمی موفق بتوانند در رسیدن به اهداف آینده خود و جامعه مؤثرتر از گذشته عمل کنند.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

تشکیل تعاونی‌ها نیازمند طراحی دقیق، سرمایه‌گذاری منطقی و مدیریت تخصصی است و موفقیت آن‌ها به شالوده‌ای بستگی دارد که در خلال تشکیل تعاونی شکل می‌گیرد. بنابراین، باید بدانیم در این باره نمی‌توان یک شبه ره صد ساله را پیمود و باید برنامه حساب شده و سنجیده مدت‌ها قبل از گشودن درهای تعاونی طراحی شده باشد (وزارت تعاون، ۱۳۸۵ الف).

عوامل شخصیتی از جمله عوامل زیربنایی مؤثر بر موفقیت تعاونی‌های تولیدی است. بنا به نتیجه تحلیل رگرسیونی مطالعه مرادنژادی و همکاران (۱۳۸۶) در زمینه «تحلیل سازه‌های مؤثر بر توسعه کارآفرینی در واحدهای تولیدی گلخانه‌ای در ایران»، سازه‌های روان‌شناختی کارآفرینان یکی از عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی معرفی شد. نتایج این تحقیق نشان داد که علاقه به کار کشاورزی یکی از عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی است و دست‌اندرکاران توسعه واحدهای تولید گلخانه‌ای باید این نکته را در نظر داشته باشند و افرادی را جذب این کار کنند که علاوه بر دارا بودن ویژگی‌های روان‌شناختی کارآفرینی و سایر ویژگی‌ها، علاقه‌مند به کار تولید محصولات گلخانه‌ای باشند. برونیس و دیگران (Bruynis et al., 1997) هم در تحقیق خود نتیجه گرفتند که علاقه اعضا در تعاونی‌ها از عوامل تأثیرگذار بر موفقیت است. باتنر و دیگران (Buttner et al., 1998) نیز معتقدند ویژگی‌های شخصیتی و علاقه به کار از عوامل مؤثر بر موفقیت محسوب می‌گردد. شهبازی و علی‌بیگی (۱۳۸۵) هم بر این باورند که دانش‌آموختگان کشاورزی به خلاقیت، نوآفرینی و ابتکار عمل به عنوان شایستگی‌های لازم جهت ورود به بازار کار نیاز دارند. حجازی و مشهدی (۱۳۸۶) نیز بر پایه تحقیق خود با توجه به مقایسه میانگین‌ها نشان دادند که دانش‌آموختگان کشاورزی موفق و ناموفق در ابعاد ویژگی‌های شخصیتی از جمله خلاقیت، ابتکار و انگیزه تفاوت معنی‌داری با همدیگر دارند. همچنین بیور (Beaver, 2000) و هاردا (Harda, 2003) معتقدند انگیزه فرد در موفقیت شغلی وی مؤثر است و به اعتقاد رابرتسون و دیگران (Robertson et al., 2003)، یکی از عوامل تأثیرگذار بر عدم موفقیت در کسب و کارهای جدید و کارآفرینانه فقدان انگیزه می‌باشد. شعبان‌علی‌فمی و همکاران (۱۳۸۵) هم در پژوهش خود نتیجه گرفتند عمده‌ترین سازه‌های تأثیرگذار بر موفقیت تعاونی‌ها عوامل روان‌شناختی و انگیزشی‌اند. واتسون و دیگران (Watson et al., 1998) نیز از عوامل شخصیتی تأثیرگذار بر موفقیت در کار، به داشتن روحیه کارآفرینی اشاره می‌کنند. به اعتقاد اکبری (۱۳۸۴)، بروز روحیه کارآفرینی به دو عامل مهم و مکمل آموزش و حمایت نیاز دارد و شرکت‌های تعاونی به عنوان کانون‌های کار و مشارکت در اشتغال با بهره‌گیری از امکانات اداری، اعتباری و آموزشی می‌توانند آن را برای کارآفرینان مهیا و زمینه

توسعه کارآفرینی را فراهم کنند. لامپکین و دس (Lumpkin & Dess, 1996) هم در پژوهش خود نتیجه‌گیری کردند ریسک‌پذیری، پیش‌گام بودن، نوگرایی و نوآوری در کارها از عوامل تأثیرگذار بر موفقیت در کارآفرینی است. لذا به منظور هدایت و اجرای روند توسعه در تعاونی‌ها، همه افراد باید واجد ویژگی اشتیاق و علاقه، سخت‌کوشی در کار و انعطاف‌پذیری باشند (وزارت تعاون، ۱۳۸۵ الف).

عوامل فرهنگی - اجتماعی از دیگر عوامل مؤثر بر موفقیت تعاونی‌های تولیدی است. در این زمینه امینی و همکاران (Amini et al., 2008) معتقدند با افزایش شناخت اعضا نسبت به اصول و فلسفه تعاون، موفقیت آن‌ها افزون می‌گردد. پراکاش (Prakash, 1994)، جان و آدریان (John & Adrian, 2001) و روسو و دیگران (Russo et al., 2000) هم معتقدند شناخت اعضا نسبت به اصول تعاون و پایبندی به آن از دلایل موفقیت تعاونی‌ها بوده است. ناهید (۱۳۴۶)، معصومی (۱۳۶۷) و آقاجانی و رزانه (۱۳۸۰) نیز معتقدند که عدم اطلاع، ناآگاهی، بی‌سوادی و غفلت مدیران و اعضا از اصول و فلسفه تعاون تهدیداتی جدی در جهت موفقیت تعاونی‌ها هستند. طالب (۱۳۸۷) نیز بر این باور است که موفقیت تعاونی‌ها به ارتقای مشارکت دموکراتیک، آزادانه و داوطلبانه اعضا و بهبود سطح پذیرش مسئولیت اجتماعی در بین اعضا بستگی دارد. نظام شهیدی (۱۳۸۰) هم معتقد است جلب مشارکت و تقویت روحیه تعاون و همکاری در بین اعضای تعاونی‌ها تأثیر فراوانی در موفقیت آن‌ها دارد. به اعتقاد رابرتسون و دیگران (Robertson et al., 2003) عدم موفقیت در کسب و کارهای جدید و کارآفرینانه به ناآگاهی و مهارت‌های لازم، که ناشی از عدم کسب دانش شغلی جدید است، مربوط می‌شود. آن‌ها به مهارت‌های مفید ارتباطی، ارتباط و تعامل با جامعه (مشتریان)، ارتباط و تعامل با سایر تعاونی‌های تولیدی و استفاده از تجارب و اطلاعات آن‌ها به عنوان عامل اجتماعی در جهت رسیدن به واسطه فضای متحول تجاری و رشد تعاونی‌ها نیازمندند. بر این اساس، ایجاد ارتباط همواره یک چالش بزرگ برای تعاونی‌ها بوده و خواهد بود (وزارت تعاون، ۱۳۸۵ الف). بنابراین، کارکنان تعاونی‌ها بایستی ارتباط برقرارکننده‌های خودانگیز و متکی به نفس بوده، نیازهای دیگران را درک کنند و رضایت و کمال را

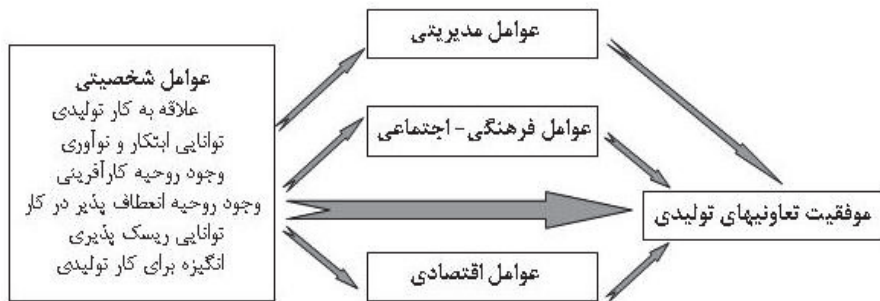
در خدمت به دیگران بیابند تا موفق شوند (وزارت تعاون، ۱۳۸۵ ب). بسیاری از پژوهش‌ها (از جمله: Harda, 2003; Beaver, 2002; Erdman & Coates, 2005; Amodeo, 2001) نیز نشان دادند که کسب آموزش‌های مورد نیاز در مورد کار و ارتقای دانش و مهارت شغلی اعضا از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر موفقیت تعاونی‌ها به شمار می‌آید. در این زمینه، شعبانعلی‌فمی و همکاران (۱۳۸۵) توانایی‌های ارتباطی را از جمله سازه‌های موفقیت تعاونی‌ها دانسته‌اند. مرادنژادی و همکاران (۱۳۸۷) نیز از جمله سازه‌های تأثیرگذار بر موفقیت کارآفرینان به فراهم بودن اطلاعات در امور تولید محصولات گلخانه‌ای اشاره می‌کنند. شهبازی و علی‌بیگی (۱۳۸۵) هم در زمینه شایستگی‌های مورد نیاز دانش‌آموختگان کشاورزی به منظور ورود به بازار کار، بر توانایی اداره کار گروهی، توان برقراری ارتباط با دیگران، حس مشارکت، آشنایی با فناوری اطلاعات و ارتباطات (شایستگی‌های ارتباطی)، حس تعهد و مسئولیت‌پذیری (شایستگی‌های اخلاق حرفه‌ای) تأکید کردند.

از دیگر عوامل مؤثر بر موفقیت تعاونی‌ها، مدیریت مناسب تعاونی‌هاست. در این زمینه، شعبانعلی‌فمی و همکاران (۱۳۸۵) و روسوا و همکاران (Russo et al., 2000) معتقدند که توانایی‌های مدیریتی از سازه‌ی تأثیرگذار بر موفقیت تعاونی‌هاست. سرسختی عراقی (۱۳۷۴) هم در تحقیق خود روی عملکرد تعاونی‌های صیادی نشان داد سواد و پنداشت مدیر عامل از اقتدار بر وضعیت عملکرد تعاونی‌ها مؤثر می‌باشد. لامپکین و دس (Lumpkin & Dess, 1996) هم بر پایه تحقیق خود، ویژگی‌های مدیریتی را از عوامل تأثیرگذار بر موفقیت در کارآفرینی ذکر نموده‌اند. همچنین برونیس و دیگران (Bruynis et al., 2001) معتقدند شیوه مدیریت و ایجاد رابطه با مشتریان در ارتقای تعاونی‌ها تأثیرگذار است. از طرفی در تعاونی‌ها، به عنوان نهادهای مردم‌سالار، فعالیت مطلوب به مشارکت فعال همه عناصر بستگی دارد؛ از این رو مهم‌ترین مسئولیت اعضای تعاونی، مشارکت در نظارت است (وزارت تعاون، ۱۳۸۵ الف). همچنین اعضا نقش مهمی در تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری و تعیین راهبرد دارند و بنابراین، جلب مشارکت و تقویت روحیه تعاون و همکاری در بین آن‌ها تأثیر فراوانی در موفقیت تعاونی‌ها دارد (شیرانی، ۱۳۶۸). نارایان

(Narayan, 1995) نیز معتقد است افزایش مهارت‌ها و آگاهی‌های اعضا در زمینه مشارکت آنان در مدیریت و چگونگی تحقق آن، از عوامل مؤثر بر موفقیت و تداوم فعالیت تعاونی‌هاست و به اعتقاد گوینان و آپریل (Guinnane & April, 2002)، نبود راهبرد مشخص و مدیریت مناسب موجب عدم موفقیت شده در حالی که نظارت اعضا به دلیل افزایش ضریب اطمینان و اعتماد موجب موفقیت و پایداری گردیده است. پراکاش (Prakash, 1994) نیز معتقد است درک اساسی روش‌های مدیریت توسط اعضا از دلایل موفقیت آن‌هاست.

و سرانجام از دیگر عوامل مؤثر بر موفقیت تعاونی‌های تولیدی عوامل اقتصادی است. مرادنژادی و همکاران (۱۳۸۶) در پژوهش خود در زمینه «تحلیل عوامل محیطی مؤثر بر موفقیت کارآفرینان واحدهای تولیدی گلخانه‌ای در ایران»، از جمله سازه‌های محیطی تأثیرگذار بر موفقیت کارآفرینان به عامل اقتصادی اشاره می‌کنند. در این زمینه، طالب (۱۳۸۷) معتقد است که تلاش اقتصادی برای تأمین نیازها، توسعه همکاری‌های اقتصادی، ارتقای مشارکت اعضا و بهبود سطح پذیرش مسئولیت اجتماعی در بین اعضا از سازه‌های بنیادی موفقیت است. به اعتقاد ناهید (۱۳۴۶) و ایوانی (۱۳۸۶) نیز سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های تولیدی و دسترسی به اعتبارات و استفاده از وام‌های بانکی از عوامل مؤثر بر موفقیت تعاونی‌ها به شمار می‌آیند. چاندراسکرا و کلومبو (Chandrasekera & Colombo, 1990) و گابریل (Gabriel, 2002) نیز بر این باورند که بازاریابی موفق از عوامل مؤثر بر موفقیت تعاونی‌هاست. از طرفی، به اعتقاد سیلواراجو (۱۳۸۴)، عدم مشارکت اعضا در زمینه‌های مختلف در تعاونی ناشی از عدم شناخت اعضا از اصول تعاون است که انگیزه و رغبت را برای هرگونه مشارکت از جمله مشارکت اقتصادی از بین می‌برد. سرسختی عراقی (۱۳۷۴) نیز تأثیر نگرش مثبت اعضا نسبت به تحقق اهداف تعاونی را، که ناشی از اعتقاد آن‌ها به اصول و فلسفه تعاون است، بر عملکرد اقتصادی مثبت می‌داند.

بر مبنای مرور پیشینه تحقیق، چارچوب مفهومی زیر برای تحقیق حاضر ارائه شد:



شکل ۱- چارچوب مفهومی تحقیق

به منظور دستیابی به هدف تحلیل عوامل شخصیتی مؤثر بر موفقیت تعاونیهای تولیدی، اهداف اختصاصی زیر در نظر گرفته شد:

- تعیین اثر عوامل شخصیتی بر موفقیت از دیدگاه اعضای تعاونیهای تولیدی (محصولات خارج از فصل) استان کرمانشاه؛
- تعیین ماتریس ضرایب همبستگی متغیرهای مستقل در تعاونیهای تولیدی (محصولات خارج از فصل) استان کرمانشاه؛
- بررسی اثر مستقیم عوامل شخصیتی بر موفقیت تعاونیهای تولیدی (محصولات خارج از فصل) استان کرمانشاه؛
- بررسی آثار غیرمستقیم عوامل شخصیتی بر موفقیت تعاونیهای تولیدی (محصولات خارج از فصل) استان کرمانشاه.

روش شناسی تحقیق

تحقیق حاضر از جهت روش، توصیفی- همبستگی است. جامعه آماری در این تحقیق شامل ۵۳۰ نفر عضو ۷۴ واحد تعاونیهای تولیدی کشاورزی استان کرمانشاه میباشند. نمونه آماری شامل ۲۲۰ نفر از اعضای تعاونیهای تولیدی (محصولات خارج از فصل) واقع در شهرستانهای کرمانشاه، سرپل ذهاب، قصر شیرین، دالاهو، صحنه، هرسین، روانسر، جوانرود، پاوه، ثلاث باباجانی،

کنگاور و سنقر می‌باشد که برپایه روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی بدین ترتیب انتخاب شدند که ابتدا واحدهای تعاونی‌های تولیدی در گروه‌هایی براساس شهرستان محل تولید طبقه‌بندی شدند تا در مرحله انتخاب تصادفی، همه شهرستان‌های استان در نمونه آماری وجود داشته باشند و در مرحله دوم حجم نمونه، مطابق جدول کرجسی و مورگان، تعیین و از هر طبقه (شهرستان) به روش تصادفی، انتخاب گردید.

جمع‌آوری اطلاعات از طریق پرسش‌نامه‌ای محقق‌ساخته صورت گرفت که شامل ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای و گویه‌هایی با طیف لیکرت (۱= بسیار کم، ۲= کم، ۳= متوسط، ۴= زیاد، ۵= بسیار زیاد) به منظور سنجش تأثیر عوامل مختلف بر موفقیت است. روایی پرسش‌نامه توسط پانل متخصصان و پایایی آن با کاربرد آزمون آلفای کرونباخ (۰/۸۷) محاسبه و تأیید شد. سپس پرسش‌نامه در اختیار اعضای تعاونی‌ها قرار گرفت و پس از تکمیل، جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها نرم افزار SPSS به کار رفت. به منظور تعیین رابطه بین متغیرهای تحقیق از ضریب همبستگی اسپیرمن و به منظور تعیین روابط بین متغیرها (مطابق با واقعیت‌های موجود و بررسی آثار مستقیم و غیر مستقیم متغیرها) از روش تحلیل مسیر (Path Analysis) بهره گرفته شد.

متغیرها

عوامل شخصیتی: شامل گویه‌های علاقه به کار تولیدی (X_1)، توانایی ابتکار و نوآوری (X_2)، وجود روحیه کارآفرینی (X_3)، وجود روحیه انعطاف‌پذیری در کار (X_4)، توانایی ریسک‌پذیری (X_5)، انگیزه برای کار تولیدی (X_6).

عوامل فرهنگی - اجتماعی: شامل گویه‌های مشارکت فعال اعضا در تعاونی، ایجاد روحیه همکاری بین اعضا، تمایل اعضا به ارتقای دانش کاری، اعتقاد و باور اعضا به فلسفه تعاون، ارتباط و تعامل با تعاونی‌های دیگر و استفاده از تجربیات تعاونی‌های دیگر (X_7).

عوامل اقتصادی: شامل گویه‌های تمایل به سرمایه‌گذاری بلندمدت، مشارکت اقتصادی اعضا، بهره‌مندی از تسهیلات و اعتبارات دولتی و بازاریابی محصولات (X_8).

عوامل مدیریتی: شامل گویه‌های اهمیت به توسعه منابع انسانی، مدیریت فرصت‌ها و تهدیدها، سازماندهی مناسب اعضا، توجه به نظرات جامعه، مدیریت مناسب بین تولید و بازاریابی و میزان پاسخ‌گویی مدیر به اعضا (X_9).

موفقیت: شامل گویه‌های میزان رضایت از اشتغال پایدار، میزان رضایت از تولید، میزان رضایت از بازاریابی و فروش، میزان رضایت از درآمد و میزان رضایت از موفقیت (X_{10}).

نتایج و بحث

مطابق با پرسش‌نامه‌ها، جدول ۱ بیانگر توزیع فراوانی ویژگی‌های فردی پاسخ‌گویان، بر اساس سطح تحصیلات، افراد تحت سرپرستی، سن، جنسیت و وضعیت تأهل است. همچنین در جدول ۲ توزیع فراوانی ویژگی‌های حرفه‌ای پاسخ‌گویان بر اساس نقش افراد در تعاونی، سابقه عضویت و سابقه کشاورزی آورده شده است.

جدول ۱. توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر اساس ویژگی‌های فردی ($n = 220$)

ویژگی‌های فردی	فراوانی	درصد	درصد جمعی
بی‌سواد	۱۱	۵	۵
ابتدایی	۳۹	۱۷/۲	۲۲/۲
راهنمایی	۴۸	۲۲/۳	۴۴/۵
دیپلم و فوق دیپلم	۱۰۴	۴۷/۳	۹۱/۸
لیسانس و بالاتر	۱۸	۸/۲	۱۰۰
افراد تحت سرپرستی:			
۳-۱ نفر	۵۵	۲۵	۲۵
۶-۴ نفر	۷۸	۳۵/۵	۶۰/۵
۹-۷ نفر	۵۷	۲۵/۹	۸۶/۴
۹ نفر و بالاتر	۳۰	۱۳/۶	۱۰۰
سن:			
۲۰ و کمتر	۱۴	۶/۴	۶/۴
۲۱ تا ۳۰ سال	۸۱	۳۶/۸	۴۳/۲
۳۱ تا ۴۰ سال	۸۰	۳۶/۳	۷۹/۵
۴۱ و بالاتر	۴۵	۲۰/۵	۱۰۰

ادامه جدول ۱		
جنسیت:		
۷۴/۵	۷۴/۵	۱۶۴
۱۰۰	۲۵/۵	۵۶
وضعیت تأهل:		
۲۰/۵	۲۰/۵	۴۵
۱۰۰	۷۹/۵	۱۷۵

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۲. توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر اساس ویژگی‌های حرفه‌ای (n = ۲۲۰)

درصد تجمعی	درصد	فراوانی	ویژگی‌های حرفه‌ای
نقش افراد در تعاونی:			
۲۵/۹	۲۵/۹	۵۷	هیئت مدیره
۴۸/۲	۲۲/۳	۴۹	مدیر عامل
۱۰۰	۵۱/۸	۱۱۴	عضو عادی
سابقه عضویت:			
۲۷/۷	۲۷/۷	۶۰	۲-۴ سال
۷۱/۳	۴۳/۶	۹۶	۵-۷ سال
۸۸/۰۰	۱۶/۷	۳۷	۸-۱۰ سال
۱۰۰	۱۲/۱	۲۷	بیشتر از ۱۰ سال
سابقه کشاورزی:			
۲۵	۲۵	۵۵	باغی
۶۰/۵	۳۵/۵	۷۸	غلات
۸۶/۴	۲۵/۹	۵۷	صیفی جات
۱۰۰	۱۳/۶	۳۰	سبزیجات

منبع: یافته‌های پژوهش

به منظور دستیابی به هدف کلی تحقیق، در ادامه، هر یک از اهداف اختصاصی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

هدف اول: تعیین اثر عوامل شخصیتی بر موفقیت کاری از دیدگاه اعضای تعاونی‌های تولیدی (محصولات خارج از فصل) استان کرمانشاه

در جدول ۳ توزیع فراوانی دیدگاه اعضا در مورد اثر عوامل شخصیتی بر موفقیت کاری آورده شده است. وجود روحیه کارآفرینی از دیدگاه ۹۱٪ از اعضای تعاونی‌ها، با میانگینی برابر با ۴/۵۵ و ضریب تغییراتی برابر با ۰/۱۱۷ در حد زیاد تا بسیار زیاد، بالاترین اولویت مؤثر بر موفقیت تعاونی‌های تولیدی بیان شده است و توانایی ریسک‌پذیری از دیدگاه ۸۱/۲٪ از اعضای تعاونی‌ها، با میانگینی معادل ۴/۰۶ و ضریب تغییراتی برابر با ۰/۲۰۳ در حد زیاد، پایین‌ترین اولویت مؤثر بر موفقیت تعاونی‌های تولیدی ارزیابی شده است.

جدول ۳. توزیع فراوانی دیدگاه اعضا در زمینهٔ با اثر عوامل شخصیتی بر موفقیت (n = ۲۲۰)

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات
وجود روحیه کارآفرینی	۴/۵۵	۰/۵۳۳	۰/۱۱۷
علاقه به کار تولیدی	۴/۴۸	۰/۵۶۹	۰/۱۲۷
انگیزه برای کار تولیدی	۴/۳۲	۰/۶۸۹	۰/۱۶۰
توانایی ابتکار و نوآوری	۴/۱۵	۰/۸۰۰	۰/۱۹۳
وجود روحیه انعطاف‌پذیری در کار	۴/۰۹	۰/۸۱۹	۰/۲۰۰
توانایی ریسک‌پذیری	۴/۰۶	۰/۸۲۴	۰/۲۰۳

منبع: یافته‌های پژوهش

هدف دوم: تعیین ماتریس ضرایب همبستگی متغیرهای مستقل در تعاونی‌های تولیدی

(محصولات خارج از فصل) استان کرمانشاه

بررسی ماتریس ضرایب همبستگی در جدول ۴ گویای این است که همبستگی مثبت و معنی‌داری بین متغیرهای مستقل تحقیق در سطح خطای ۱٪ وجود دارد. این همبستگی‌ها در

تحقیقات محققانی چون هاردا (Harda 2003)؛ اردمن و کوتز (Erdman & Coates, 2005)؛ نارایان (Narayan, 1995)؛ آمودئو (Amodeo, 200)؛ بیور (Beaver, 20021) نیز مورد تأیید قرار گرفت.

جدول ۴. ماتریس ضرایب همبستگی متغیرهای مستقل در تعاونی‌های تولیدی مورد مطالعه

متغیرها	X10	X1	X2	X3	X4	X5	X6	X7	X8	X9
X10										
X1	۰/۷۱**									
X2	۰/۶۱**	۰/۵۴**								
X3	۰/۵۹**	۰/۴۹**	۰/۵۸**							
X4	۰/۵۱**	۰/۵۱**	۰/۴۱**	۰/۴۶**						
X5	۰/۴۸**	۰/۳۱**	۰/۳۶**	۰/۵۲**	۰/۵۵**					
X6	۰/۶۳**	۰/۵۴**	۰/۴۴**	۰/۴۰**	۰/۵۱**	۰/۳۹**				
X7	۰/۶۲**	۰/۴۳**	۰/۴۶**	۰/۵۱**	۰/۵۵**	۰/۴۶**	۰/۵۳**			
X8	۰/۳۴**	۰/۵۵**	۰/۴۲**	۰/۴۱**	۰/۵۷**	۰/۴۹**	۰/۴۳**	۰/۴۹**		
X9	۰/۴۱**	۰/۴۵**	۰/۴۳**	۰/۴۸**	۰/۵۴**	۰/۴۲**	۰/۴۹**	۰/۵۴**	۰/۵۶**	

منع: یافته‌های پژوهش

** : معنی‌داری در سطح خطای ۱٪

هدف سوم: بررسی اثر مستقیم عوامل شخصیتی بر موفقیت تعاونی‌های تولیدی (محصولات خارج

از فصل) استان کرمانشاه

با توجه به آثار علی هر یک از متغیرهای مدل در شکل‌های ۲ و ۳ و بر اساس تفکیک آثار

مستقیم و غیرمستقیم متغیرها بر موفقیت (جدول ۵) نتایج زیر حاصل شد:

علاقه به کار تولیدی بیشترین اثر مستقیم مثبت و معنی‌دار را بر موفقیت تعاونی‌های تولیدی

دارد (P101 = 0.49). این یافته با یافته‌های مطالعات مرادنژادی و همکاران (۱۳۸۶)؛ شعبانعلی‌فمی

و همکاران (۱۳۸۵)؛ رابرتسون و دیگران (Robertson et al., 2003) هاردا (Harda, 2003)، بیور (Beaver, 2002)؛ مقیمی و زالی (۱۳۷۹) همخوانی دارد.

پس از علاقه به کار تولیدی، اثر مستقیم مثبت و معنی دار دوم اختصاص به عوامل فرهنگی- اجتماعی در تعاونی دارد ($P107 = 0.48$). این یافته با نتایج مطالعات امینی و دیگران (Amini et al., 2008)؛ شعبانعلی فمی و همکاران (۱۳۸۵)؛ دیدی (Didi, 2004)؛ ازکیا و غفاری (۱۳۸۳)؛ هاردا (Harda, 2003)؛ بیور (Beaver, 2002)؛ گابریل (Gabriel, 2002)؛ روسوا و دیگران (Russoa et al., 2000)؛ صفری شالی (۱۳۸۰)؛ رضازاده صابر (۱۳۷۹)؛ نظام شهیدی و علی زاده اقدم (۱۳۷۸)؛ چوپانی (۱۳۷۷)؛ دعائی (۱۳۷۴)؛ هاکیوس (Hakelius, 1996)؛ شیرانسی (۱۳۶۸)؛ (Cooperative Allicanc International, 1988)؛ نارایان (Narayan, 1995)؛ کوبیا و نووارو (Cobia & Novarro, 1972) مطابقت دارد.

سومین اثر مستقیم مثبت و معنی دار بر موفقیت تعاونی‌های تولیدی به انگیزه برای کار تولیدی اختصاص دارد ($P106 = 0.42$). این یافته نیز با نتایج مطالعات شعبانعلی فمی و همکاران (۱۳۸۵)؛ رابرتسون و دیگران (Robertson et al., 2003)؛ هاردا (Harda, 2003)؛ بیور (Beaver, 2002)؛ مقیمی (۱۳۷۹) همخوانی دارد.

توانایی ابتکار و نوآوری دارای اثر مستقیم مثبت و معنی دار چهارم بر موفقیت تعاونی‌های تولیدی است ($P102 = 0.38$). نتیجه مذکور با مطالعات لامپکین و دس (Lumpkin & Dess, 1996)؛ هورنزی (Hornsby, 1993)؛ تی مونز (Timmons, 1987) مطابقت دارد.

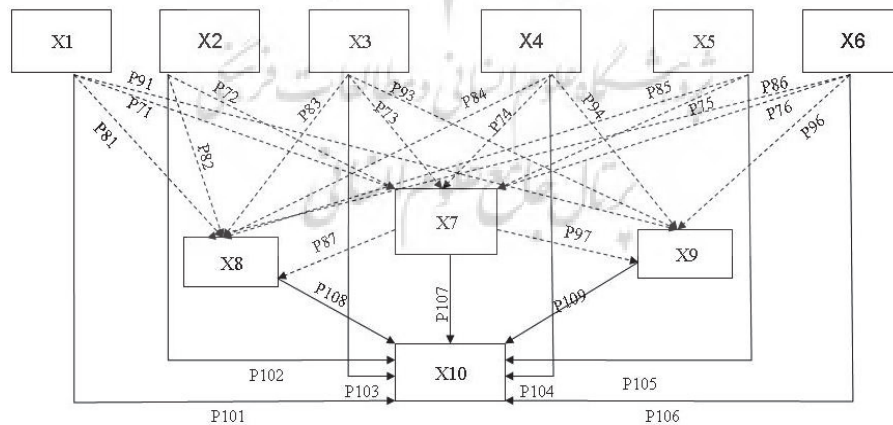
توانایی ریسک‌پذیری دارای اثر مستقیم مثبت و معنی دار پنجم بر موفقیت تعاونی‌های تولیدی است ($P105 = 0.27$). یافته مذکور با نتایج مطالعات لامپکین و دس (Lumpkin & Dess, 1996) و مقیمی (۱۳۷۹) است.

وجود روحیه کارآفرینی دارای اثر مستقیم مثبت و معنی دار ششم بر موفقیت تعاونی‌های تولیدی است ($P103 = 0.26$). این یافته با نتایج مطالعات مرادنژادی و همکاران (۱۳۸۶)؛ شعبانعلی فمی و همکاران (۱۳۸۵)؛ واتسون و همکاران (Watson et al., 1998) مطابقت دارد.

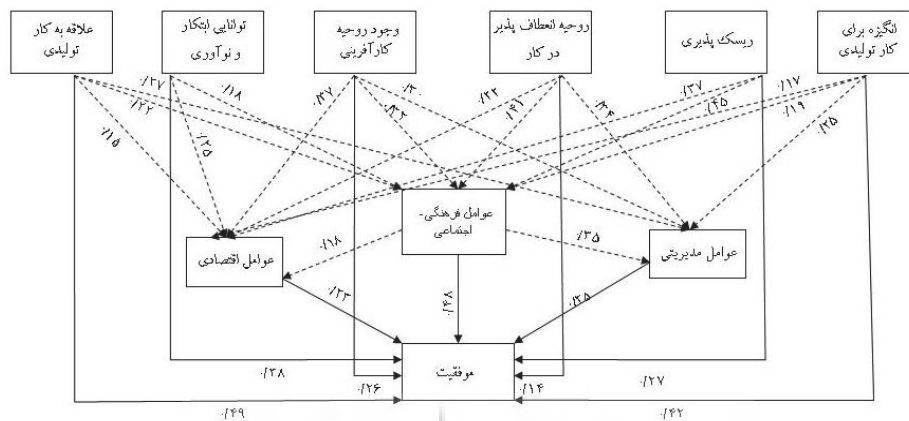
عوامل مدیریتی نیز دارای اثر مستقیم مثبت و معنی‌دار هفتم بر موفقیت تعاونی‌های تولیدی می‌باشد ($P109 = 0.25$). این نتیجه با نتایج مطالعات امینی و دیگران (Amini et al., 2008)؛ مرادی‌نژاد و همکاران (۱۳۸۶)؛ نیرو و ایساک (Nyoro & Isaac, 2005)؛ شعبانعلی فمی و همکاران، (۱۳۸۵)؛ سلطانی (۱۳۸۵)؛ هاردا (Harda, 2003)؛ بیور (Beaver, 2002)؛ (International Labour Office, 2002)؛ بهویان (Bhuyan, 2002)؛ برونیس و همکاران (Bruynis et al., 2001)؛ سرسختی عراقی (۱۳۷۴)؛ دعائی (۱۳۷۴)؛ گوردنز و دیگران (Gordons et al., 1987)؛ ناهید (۱۳۴۶) همخوانی دارد.

هشتمین اثر مستقیم مثبت و معنی‌دار بر موفقیت تعاونی‌های تولیدی به عوامل اقتصادی اختصاص یافته است ($P108=0.23$). یافته مذکور با نتایج مطالعات ایوانی (۱۳۸۶)؛ نیرو و ایساک (Nyoro & Isaac, 2005)؛ شعبانعلی فمی و همکاران (۱۳۸۵)؛ گابریل (Gabriel, 2002)؛ مقیمی (۱۳۷۹)؛ چاندرااسکرا و کلومبو (Chandrasekera & Colombo, 1990)؛ هورنادای (Hornaday, 1970) همخوانی دارد.

وجود روحیه انعطاف‌پذیری در کار دارای آخرین اثر مستقیم مثبت و معنی‌دار بر موفقیت تعاونی‌های تولیدی می‌باشد ($P104 = 0.14$). این یافته نیز با نتیجه مطالعه وزارت تعاون (۱۳۸۵) الف) مطابقت دارد.



شکل ۲- الگوی پیشنهادی روابط مستقیم و غیرمستقیم عوامل شخصیتی بر موفقیت تعاونی‌های تولیدی



شکل ۳- الگوی روابط مستقیم و غیرمستقیم عوامل شخصیتی بر موفقیت تعاونیهای تولیدی با ضرایب مسیر

→ اثر مستقیم - - - - - → اثر غیرمستقیم

جدول ۵. تجزیه آثار متغیرها بر موفقیت تعاونیهای تولیدی مورد مطالعه

متغیرها	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر غیرعلی	اثر علی کل	ضریب همبستگی
علاقه به کار تولیدی	۰/۴۹	۰/۲۱	۰/۰۱	۰/۷۰	۰/۷۱**
عوامل فرهنگی- اجتماعی	۰/۴۸	۰/۱۲	۰/۰۲	۰/۶۰	۰/۶۲**
انگیزه برای کار تولیدی	۰/۴۲	۰/۱۹	۰/۰۲	۰/۶۱	۰/۶۳**
توانایی ابتکار و نوآوری	۰/۳۸	۰/۱۵	۰/۰۸	۰/۵۳	۰/۶۱**
توانایی ریسک پذیری	۰/۲۷	۰/۲۰	۰/۱۷	۰/۳۳	۰/۴۸**
وجود روحیه کارآفرینی	۰/۲۶	۰/۳۱	۰/۰۲	۰/۵۷	۰/۵۹**
عوامل مدیریتی	۰/۲۵	-	۰/۱۶	۰/۲۵	۰/۴۱**
عوامل اقتصادی	۰/۲۳	-	۰/۱۱	۰/۲۳	۰/۳۴**
وجود روحیه انعطاف پذیری در کار	۰/۱۴	۰/۳۴	۰/۰۳	۰/۴۸	۰/۵۱**

** : معنی داری در سطح خطای ۱٪

منبع: یافته‌های پژوهش

هدف چهارم: بررسی آثار غیرمستقیم عوامل شخصیتی بر موفقیت تعاونی‌های تولیدی (محصولات خارج از فصل) استان کرمانشاه

هریک از متغیرهای عوامل شخصیتی علاوه بر اثر مستقیم بر موفقیت، آثار غیرمستقیمی هم از طریق عوامل واسطه و فرهنگی - اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی بر موفقیت دارند که در ادامه، هر یک از این آثار مورد بررسی قرار می‌گیرد.

با توجه به آثار علی هر یک از متغیرهای مدل پیشنهادی در شکل‌های ۲ و ۳ بر اساس تفکیک آثار مستقیم و غیرمستقیم متغیرها بر موفقیت در جدول ۵، نتایج زیر حاصل شد:

بیشترین اثر غیرمستقیم به وجود روحیه انعطاف‌پذیری در کار اختصاص یافته است که به واسطه تأثیر بر عوامل فرهنگی - اجتماعی با ضریب مسیر $0.41 = P74$ موجب انعطاف‌پذیری بیشتر اعضا نسبت به مشارکت فعال، انعطاف‌پذیری و تمایل بیشتر اعضا به ارتباط و تعامل با تعاونی‌های دیگر به منظور کسب و استفاده از تجارب آن‌ها می‌گردد و از طریق تأثیر بر عوامل مدیریتی با ضریب مسیر $0.34 = P94$ باعث انعطاف‌پذیری و تمایل بیشتر مدیر به ارتقا و توسعه منابع انسانی در تعاونی، افزایش انعطاف‌پذیری و تمایل بیشتر به سازماندهی مناسب اعضا، تمایل بیشتر به پذیرش نظرات جامعه، انعطاف‌پذیری و تمایل بیشتر مدیر در پاسخ‌گویی به اعضا و نیز از طریق تأثیر بر عوامل اقتصادی با ضریب مسیر $0.22 = P84$ موجب انعطاف‌پذیری بیشتر در مشارکت اقتصادی تعاونی و تمایل بیشتر به سرمایه‌گذاری بلندمدت می‌گردد. به طور کلی، براساس مجموع این آثار غیرمستقیم، نقش ویژه روحیه انعطاف‌پذیری در کار بر موفقیت تعاونی‌های تولیدی کاملاً نمایان می‌شود. این نتیجه با یافته‌های مطالعاتی (همچون: Nyoro & Isaac, 2005; Harda, 2003; Beaver, 2002; Bruynis et al., 2001; Zhu & Leonard, 1989) در زمینه آثار مثبت وجود روحیه انعطاف‌پذیری در کار با تأثیر بر عوامل فرهنگی - اجتماعی، مدیریتی، اقتصادی و موفقیت تعاونی‌ها مطابقت دارد.

پس از وجود روحیه انعطاف‌پذیری در کار، اثر غیرمستقیم دوم به وجود روحیه کارآفرینی اختصاص یافته که از طریق تأثیر بر عوامل فرهنگی - اجتماعی با ضریب مسیر $0.32 = P73$ موجب تمایل بیشتر اعضا نسبت به مشارکت فعال، ارتقای دانش کاری و ارتباط و

تعامل با تعاونی‌های دیگر و استفاده از تجارب آن‌ها می‌شود. وجود روحیه کارآفرینی به واسطه تأثیر بر عوامل مدیریتی با ضریب مسیر $P93 = 0.30$ سبب افزایش توجه به نظرات جامعه و کسب و انتقال آن‌ها برای ارتقای کیفیت محصولات، برقراری ارتباط مناسب بین تولید و بازاریابی، داشتن تمایل به ارتقا و توسعه منابع انسانی، تمایل به سازماندهی مناسب در تعاونی و مدیریت فرصت‌ها و تهدیدهای موجود در تعاونی شده است. از طریق تأثیر بر عوامل اقتصادی با ضریب مسیر $P83 = 0.37$ نیز وجود روحیه کارآفرینی موجب افزایش تمایل اعضا به مشارکت اقتصادی و سرمایه‌گذاری بلندمدت و بازاریابی مناسب محصولات شده است. در نهایت، مجموع آثار غیرمستقیم بیانگر نقش شایان توجه وجود روحیه کارآفرینی در افزایش موفقیت تعاونی‌ها می‌باشد. این یافته با نتایج مطالعات گوینان (Guinnane, 2002)؛ گابریل (Gabriel, 2002)؛ گوردنز و همکاران (Gordons et al., 1987)؛ پراکاش (Prakash, 1994)؛ نارایان (Narayan, 1995)؛ لامپکین و دس (Lumpkin & Dess, 1996)؛ برونیس و دیگران (Bruynis et al, 2001) مبنی بر تأثیر روحیه کارآفرینی به واسطه عوامل فرهنگی - اجتماعی، مدیریتی، اقتصادی و موفقیت تعاونی‌ها همخوانی دارد.

اثر غیرمستقیم سوم مربوط به علاقه به کار تولیدی است که به واسطه تأثیر در عوامل فرهنگی - اجتماعی با ضریب مسیر $P71 = 0.22$ سبب افزایش علاقه اعضا به مشارکت فعال، افزایش تمایل اعضا به ارتقای دانش کاری، افزایش علاقه به ارتباط و تعامل با تعاونی‌های دیگر و کسب و استفاده از تجارب آن‌ها شده است و از طریق تأثیر بر عوامل مدیریتی با ضریب مسیر $P91 = 0.27$ موجب افزایش علاقه به کسب و انتقال نظرات جامعه به منظور بهبود کیفیت محصولات و تمایل بیشتر نسبت به مدیریت فرصت‌ها و تهدیدهای موجود در تعاونی و واسطه تأثیر بر عوامل اقتصادی با ضریب مسیر $P81 = 0.15$ موجب افزایش تمایل اعضا به سرمایه‌گذاری بلندمدت، مشارکت اقتصادی بیشتر و علاقه‌مندی به بازاریابی مناسب محصولات شده است. به طور کلی، مجموع آثار غیرمستقیم مبین اهمیت علاقه به کار تولیدی در موفقیت تعاونی‌های تولیدی است. نتیجه اخیر با نتایج مطالعات لامپکین و دس (Lumpkin & Dess, 1996)؛ کارلو و

دیگران (Carlo et al., 2000)؛ برونیس و دیگران (Bruynis et al., 2001)؛ نیرو و ایساک (Nyoro & Isaac, 2005)؛ نارایان (Narayan, 1995) در زمینه علاقه به کار تولیدی و تأثیر مثبت آن از طریق عوامل فرهنگی - اجتماعی، مدیریتی، اقتصادی در موفقیت تعاونی‌ها همسوست.

اثر غیرمستقیم چهارم به توانایی ریسک‌پذیری اختصاص یافته است که به واسطه تأثیر بر عوامل فرهنگی - اجتماعی با ضریب مسیر $P75 = 0.45$ سبب تمایل به پذیرش ریسک و استفاده از تجارب تعاونی‌های دیگر و از طریق تأثیر بر عوامل اقتصادی با ضریب مسیر ($P85 = 0.37$) موجب پذیرش ریسک در مشارکت اقتصادی و سرمایه‌گذاری بلندمدت می‌گردد. با احتساب مجموع تأثیرات غیرمستقیم توانایی ریسک‌پذیری، نقش تأثیرگذار آن بر موفقیت تعاونی‌های تولیدی نمایان می‌گردد. یافته مذکور با نتایج مطالعات برونیس و دیگران (Bruynis et al., 2001)؛ نارایان (Narayan, 1995)؛ لامپکین و دس (Lumpkin & Dess, 1996)؛ کارلو و دیگران (Carlo et al., 2000) در زمینه توانایی ریسک‌پذیری و اثرگذاری مثبت آن از طریق عوامل فرهنگی - اجتماعی، اقتصادی بر موفقیت تعاونی‌ها همخوانی دارد.

انگیزه برای کار تولیدی اثر غیرمستقیم پنجم را به خود اختصاص داده است که به واسطه تأثیر بر عوامل فرهنگی - اجتماعی با ضریب مسیر $P76 = 0.19$ باعث افزایش انگیزه برای ارتقای دانش کاری، انگیزه برای مشارکت فعال، افزایش انگیزه برای ارتباط و تعامل با تعاونی‌های دیگر و کسب تجارب آن‌ها شده و از طریق تأثیر بر عوامل مدیریتی با ضریب مسیر $P96 = 0.25$ سبب افزایش انگیزه به منظور برقراری ارتباط مناسب بین جامعه و تعاونی در جهت بازاریابی مناسب محصولات، انگیزه برای توجه به نظرات جامعه به منظور بهبود کیفیت محصولات، انگیزه برای سازماندهی مناسب در تعاونی، انگیزه برای توسعه منابع انسانی و انگیزه برای مدیریت فرصت‌ها و تهدیدها و از طریق تأثیر بر عوامل اقتصادی با ضریب مسیر $P86 = 0.17$ موجب افزایش انگیزه برای مشارکت اقتصادی بیشتر و سرمایه‌گذاری بلندمدت و تلاش در جهت بازاریابی مناسب محصولات شده است. مجموع آثار غیرمستقیم مؤید اهمیت انگیزه برای کار تولیدی در موفقیت تعاونی‌های تولیدی است. یافته مذکور با نتایج مطالعات پراکاش (Prakash, 1994)؛ گابریل

(Gabriel, 2002)؛ بیور (Beaver, 2002)؛ هاردا (Harda, 2003)؛ نیرو و ایساک (Nyoro & Isaac, 2005) مبنی بر تأثیرگذاری انگیزه بر عوامل فرهنگی-اجتماعی، مدیریتی و اقتصادی و موفقیت تعاونی‌ها مطابقت دارد.

اثر غیرمستقیم ششم مربوط به توانایی ابتکار و نوآوری است که از طریق تأثیر بر عوامل فرهنگی-اجتماعی با ضریب مسیر $P72 = 0.18$ سبب افزایش به کارگیری روش‌های نوآورانه در ایجاد روحیه همکاری و تعاون در بین اعضا و از طریق تأثیر بر عوامل اقتصادی با ضریب مسیر $P82 = 0.25$ موجب افزایش به کارگیری روش‌های نوآورانه در زمینه بازاریابی محصولات تولیدی می‌شود. مجموع این آثار، نشان می‌دهد که توانایی ابتکار و نوآوری آثار غیرمستقیم مهمی بر موفقیت تعاونی‌های تولیدی دارد. این نتیجه با یافته‌های لامپکین و دس (Lumpkin & Dess, 1996)؛ گابریل (Gabriel, 2002)؛ بیور (Beaver, 2002)؛ هاردا (Harda, 2003)؛ نارایان (Narayan, 1995) مبنی بر توانایی ابتکار و نوآوری و نقش مثبت آن بر عوامل فرهنگی-اجتماعی، اقتصادی و موفقیت تعاونی‌ها همخوانی دارد.

آخرین اثر غیرمستقیم مؤثر بر موفقیت تعاونی‌های تولیدی به عوامل فرهنگی-اجتماعی اختصاص یافته که از طریق تأثیر بر عوامل مدیریتی با ضریب مسیر $P97 = 0.35$ موجب افزایش تمایل به ارتقا و توسعه منابع انسانی، افزایش تمایل به سازماندهی مناسب، افزایش توجه به نظرات جامعه و افزایش پاسخ‌گویی مدیر به اعضا و از طریق تأثیر بر عوامل اقتصادی با ضریب مسیر $P87 = 0.18$ سبب افزایش تمایل به مشارکت اقتصادی و سرمایه‌گذاری بلندمدت اعضا و کمک به بازاریابی مناسب محصولات شده است. مجموع این آثار غیرمستقیم، گویای نقش تأثیرگذار عوامل فرهنگی-اجتماعی بر موفقیت تعاونی‌های تولیدی است. یافته اخیر با نتایج مطالعات برونیس و دیگران (Bruynis et al., 2001)؛ گونیان (Guinnane, 2002)؛ بیور (Beaver, 2002)؛ هاردا (Harda, 2003)؛ چاندرا سکرا و کلومبو (Chandrasekera & Colombo, 1990)؛ نارایان (Narayan, 1995)؛ لامپکین و دس (Lumpkin & Dess, 1996) مبنی بر اثرگذاری مثبت عوامل فرهنگی-اجتماعی از طریق عوامل مدیریتی، اقتصادی و موفقیت تعاونی‌ها همخوانی دارد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در راستای تحقق هدف ارتقای سرمایه‌های انسانی در تعاونی‌های تولیدی به عنوان نیروهای مولد و نگرشی عمیق‌تر به تأثیر وجود عوامل شخصیتی در اعضا، در پژوهش حاضر ابتدا با تعیین اثر عوامل شخصیتی مؤثر بر موفقیت از دیدگاه اعضا سعی بر آن بوده که درجه اهمیت این عوامل بر موفقیت تعاونی‌های تولیدی (محصولات خارج از فصل) از دیدگاه خود اعضا مشخص گردد. لذا مطابق یافته‌ها، وجود روحیه کارآفرینی، علاقه و انگیزه برای کار تولیدی، با میانگینی بالا و در حد زیاد تا بسیار زیاد و ویژگی‌های توانایی ابتکار و نوآوری، روحیه انعطاف‌پذیری درکار و توانایی ریسک‌پذیری، با میانگینی در حد زیاد مؤثر بر موفقیت تعاونی ارزیابی شدند. با توجه به اهمیت برآورد شده برای این ویژگی‌ها، چنین استنباط می‌شود که با وجود روحیه کارآفرینی و داشتن علاقه و انگیزه برای کار تولیدی در بین اعضا بستر مناسبی به منظور تحول و رسیدن به موفقیت هر چه بیشتر در تعاونی‌های تولیدی میسر می‌گردد که این مسئله زمینه‌ساز کاربرد و توسعه ویژگی‌های لازم دیگر، از جمله ابتکار و نوآوری، انعطاف‌پذیری درکار و ریسک‌پذیری است.

بر اساس نتایج بررسی ماتریس ضرایب همبستگی، بین تمامی متغیرهای مستقل، روابط مثبت و معنی‌داری وجود دارد و تأثیر مثبت عوامل شخصیتی بر عوامل واسطه و در نهایت موفقیت تعاونی‌های تولیدی کاملاً محرز است. وجود این روابط مثبت و معنی‌دار مؤید اهمیت عوامل مذکور بر موفقیت تعاونی‌های تولیدی است.

با توجه نتایج تحلیل اثر عوامل شخصیتی بر موفقیت تعاونی‌ها با روش تحلیل مسیر، پیچیدگی‌های این متغیرها بیشتر آشکار می‌گردد. این روش که از جمله روش‌های چند متغیره می‌باشد، افزون بر آثار مستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته، آثار غیرمستقیم این متغیرها را هم لحاظ می‌کند و روابط بین متغیرها را مطابق با واقعیت‌های موجود، در تحلیل وارد می‌کند. الگوی پیشنهادی (شکل ۲) مبین آن است که پیچیدگی ارتباط‌های بین متغیرها مؤید فرض عدم وجود رابطه ساده بین عوامل شخصیتی و موفقیت بوده و نشان داده است متغیرهای دیگری به صورت واسطه وجود دارند که از طریق آثار غیرمستقیم بر موفقیت تعاونی‌های تولیدی مؤثرند.

نتایج حاصل از تجزیه آثار مستقیم و غیرمستقیم حاکی از آن است که علاقه به کار تولیدی بیشترین اثر مستقیم مثبت و معنی‌دار را بر موفقیت تعاونی‌های تولیدی دارد. همچنین از مجموع آثار علی‌علاقه به کار تولیدی این‌گونه استنباط می‌شود که ورود به عرصه تولید با علاقه‌مندی، به عنوان مهم‌ترین ویژگی شخصیتی، موجب تلاش و جدیت هرچه بیشتر در تمامی فعالیت‌های تعاونی گردیده و یکی از عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی است. لذا دست‌اندرکاران توسعه واحدهای تولید گلخانه‌ای باید افرادی را که قصد ورود به این عرصه دارند، بر اساس دارا بودن ویژگی‌های روان‌شناختی کارآفرینی و علاقه‌مندی به کار تولیدی، انتخاب کنند. بر اساس این روابط و به منظور پایداری و موفقیت در تعاونی‌های تولیدی پیشنهاد می‌شود این مهم مورد توجه جدی‌تر مسئولان مربوط قرار گیرد و افراد متقاضی تأسیس تعاونی‌های تولیدی لزوماً واجد ویژگی شخصیتی علاقه به کار تولیدی باشند.

بیشترین اثر غیرمستقیم به وجود روحیه انعطاف‌پذیری در کار اختصاص دارد. به نظر می‌رسد به دلیل ناملموس بودن ویژگی انعطاف‌پذیری در کار تولیدی به طور مستقیم، تأثیرگذاری آن از طریق آثار غیرمستقیم نمود بیشتری می‌یابد و می‌توان چنین استنباط نمود که این ویژگی شخصیتی قابلیت بالایی برای رسیدن به موفقیت در کارهای گروهی ایجاد می‌کند چرا که با تأثیر بر عوامل واسطه، موجب انعطاف‌پذیری بیشتر اعضا در مشارکت فعال، انعطاف‌پذیری و تمایل بیشتر به ارتباط و تعامل با تعاونی‌های دیگر در راستای کسب و استفاده از تجارب آن‌ها، انعطاف‌پذیری و تمایل بیشتر مدیریت تعاونی به ارتقا و توسعه منابع انسانی، سازماندهی مناسب اعضا، پذیرش نظرات جامعه و پاسخ‌گویی به اعضا و انعطاف‌پذیری بیشتر در مشارکت اقتصادی تعاونی و سرمایه‌گذاری بلندمدت گردیده است. بر این اساس پیشنهاد می‌گردد اقدام‌های لازم در مورد تقویت و ارتقای انعطاف‌پذیری برای همه اعضای تعاونی‌های تولیدی از جمله برگزاری کارگاه‌های آموزشی مرتبط، با لحاظ نمودن اثرگذاری‌های غیرمستقیم این ویژگی، صورت گیرد.

مجموع بالای آثار مستقیم و غیرمستقیم در مورد انگیزه برای کار تولیدی مؤید اهمیت این ویژگی شخصیتی در کار تولیدی است؛ لذا استنباط می‌شود که انگیزه از یک سو موجب افزایش

رغبت اعضا و کارکنان تعاونی جهت ترغیب مدیریت نسبت به توسعه منابع انسانی، استفاده از کانال‌های ارتباطی مناسب به منظور برقراری ارتباط با جامعه و دیگر تعاونی‌ها گردیده و از سوی دیگر موجب افزایش آمادگی و تمایل استفاده از تجربیات تعاونی‌های دیگر و ارتقای دانش کاری در زمینه‌های مختلف از جمله استفاده از روش‌های مناسب‌تر به منظور افزایش کیفیت محصولات، روش‌های مناسب بازاریابی، نحوه ارتباط مناسب با جامعه به منظور انتقال خواسته‌ها و محصولات مطلوب شده است. بر اساس روابط موجود و به منظور تداوم موفقیت در تعاونی‌های تولیدی پیشنهاد می‌شود ویژگی انگیزه برای کار تولیدی مورد توجه ویژه قرار گیرد و افراد متقاضی تأسیس تعاونی‌های تولیدی انگیزه لازم برای کار تولیدی را به طور ذاتی به دست آورند.

مجموع آثار مستقیم و غیرمستقیم در زمینه توانایی ابتکار و نوآوری نیز اهمیت این ویژگی شخصیتی در کار تولیدی را نشان می‌دهد. بر این اساس می‌توان این‌گونه استنباط کرد که توانایی ابتکار و نوآوری با افزایش کارایی در به کارگیری روش‌های نوآورانه در ابعاد گوناگون در تعاونی‌های تولیدی زمینه‌های مناسب موفقیت و توسعه تعاونی‌های تولیدی را فراهم می‌کند. بر این اساس پیشنهاد می‌گردد نسبت به برگزاری کارگاه‌های آموزشی در زمینه تقویت و ارتقای توانایی ابتکار و نوآوری تمامی اعضای تعاونی‌های تولیدی اقدام‌های لازم صورت گیرد.

از آنجا که آثار مستقیم و غیرمستقیم عوامل شخصیتی در زمینه هر نوع کارآفرینی کاملاً زیربنایی محسوب می‌شود و به لحاظ قابلیت تعمیم نتایج این تحقیق به گروه‌های هدف متفاوت (در مدارس دانش‌آموزان؛ در دانشگاه دانشجویان و دانش‌آموخته‌های کشاورزی؛ در جامعه افراد جویای کار و افراد داوطلب تأسیس تعاونی‌های تولیدی) به منظور کسب هرچه بیشتر موفقیت، تداوم و پایداری کارآفرینی پیشنهاد می‌شود آثار غیرمستقیم عوامل ذکر شده - که به دلیل آشکار و بارز نبودن تا کنون مورد توجه جدی نبوده است - در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها به گونه‌ای ویژه مد نظر قرار گیرد.

منابع

۱. آقاجانی ورزنه، م. (۱۳۸۰). بررسی و ارزیابی فعالیت‌های شرکت‌های تعاونی تولید روستایی استان اصفهان (۱۳۵۱-۱۳۷۱). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده کشاورزی، دانشگاه صنعتی اصفهان.
۲. ازکیا، م. و غفاری، غ. (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی توسعه. تهران: انتشارات کیهان.
۳. ف. (۱۳۸۴). خلاقیت و کارآفرینی در تعاونی‌ها. چکیده مقالات کنفرانس تعاون، اشتغال و توسعه دانشگاه یزد.
۴. ایوانی، ق. (۱۳۸۶). بررسی عوامل مؤثر بر موفقیت تعاونی‌های تولید فرش دست‌باف شهرستان اسلام‌آباد غرب. پایان‌نامه کارشناسی ارشد توسعه روستایی. دانشگاه رازی.
۵. چوپانی، غ. (۱۳۷۷). تحلیل کارکرد بازاریابی شرکت‌های تعاونی روستایی و ارتباط آن با توسعه روستایی: مطالعه موردی کازرون. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس.
۶. حجازی، ی و مشهدی، م. (۱۳۸۶). تأثیر آموزش عالی کشاورزی بر توسعه عمومی دانش‌آموختگان. مجله علمی - پژوهشی علوم ترویج و آموزش کشاورزی. جلد ۳، شماره ۱.
۷. دعائی، ح. (۱۳۷۴). مدیریت منابع انسانی. مشهد: دانشگاه فردوسی.
۸. رضازاده صابر، ف. (۱۳۷۹). راه‌کارهای توسعه‌ی کارآفرینی زنان در ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مدیریت صنعتی، سازمان مدیریت صنعتی.
۹. سرسختی عراقی، ر. (۱۳۷۴). عوامل اجتماعی مؤثر بر عملکرد سازمانی تعاونی صیادی در استان بوشهر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.
۱۰. سیلوارجو، آر. (۱۳۸۴). بی‌تفاوتی اعضا و عوامل مؤثر بر عدم مشارکت آن‌ها در فعالیت تعاونی. ماهنامه تعاون، شماره ۱۷۳.

۱۰. شعبانعلی فمی، ح.، چوب‌چیان، ش.، رحیم‌زاده، م. و رسولی، ف. (۱۳۸۵). شناخت و تحلیل سازه‌های موفقیت شرکت‌های تعاونی زنان در ایران. *فصلنامه مطالعات زنان*. سال چهارم، شماره دوم.
۱۱. شهبازی، ا. و علی‌بیگی، ا. ح. (۱۳۸۵). واکاوی شایستگی‌های دانش‌آموختگان کشاورزی برای ورود به بازار کار در کشاورزی. *مجله علمی - پژوهشی علوم ترویج و آموزش کشاورزی*. جلد ۲، شماره ۱.
۱۲. شیرانی، ع. (۱۳۶۸). *اصول سازماندهی و مدیریت در تعاونی‌ها*. تهران: سازمان مرکزی تعاون کشور.
۱۳. صفری شالی، ر. (۱۳۸۰). *بررسی فعالیت‌ها و عملکرد شرکت‌های تعاونی کشاورزی مرغ‌داران استان تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده کشاورزی، دانشگاه صنعتی اصفهان.
۱۴. طالب، م. (۱۳۸۷). *اصول و اندیشه‌های تعاونی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۵. کلانتری، خ. (۱۳۸۷). *پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی - اقتصادی*. تهران: فرهنگ صبا.
۱۶. مرادنژادی، ه.، ایروانی، ه.، شعبانعلی فمی، ح.، حسینی، م. و کافی، م. (۱۳۸۶). تحلیل سازه‌های مؤثر بر توسعه کارآفرینی در واحدهای تولیدی گلخانه‌ای در ایران. *مجله علوم کشاورزی ایران*. ویژه اقتصاد و توسعه کشاورزی. شماره دوم. دوره ۲-۳۸.
۱۷. مرادنژادی، ه.، ایروانی، ه.، شعبانعلی فمی، ح.، حسینی، م. و کافی، م. (۱۳۸۷). تحلیل عوامل محیطی مؤثر بر موفقیت کارآفرینان واحدهای تولیدی گلخانه‌ای در ایران. *مجله علوم کشاورزی ایران*. ویژه اقتصاد و توسعه کشاورزی، شماره اول، دوره ۲-۳۹.
۱۸. معصومی، ع. (۱۳۶۷). *بررسی اثرات اجتماعی، اقتصادی تعاونی‌های تولید روستایی*. شیراز: سازمان کشاورزی استان فارس.
۱۹. مقیمی، م. و زالی، م. (۱۳۷۹). *بررسی موانع کارآفرینی در صنعت کشور و ارائه راه‌کارهای اساسی جهت توسعه کارآفرینی*. تهران: جهاد دانشگاهی.

۲۰. ناهید، م. (۱۳۴۶). نقش شرکت‌های تعاونی در پیشرفت و توسعه کشاورزی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۱. نظام‌شهبیدی، م. (۱۳۸۰). اصول مدیریت تعاونی‌ها در ایران. تهران: انتشارات روشنگران نصر.
۲۲. نظام‌شهبیدی، م. و علی‌زاده اقدم، ر. (۱۳۷۸). اصول مدیریت تعاونی‌ها. تهران: نشر لادن.
۲۳. وزرات تعاون، معاونت تحقیقات آموزش و ترویج. (ب ۱۳۸۵). مدیریت منابع انسانی در تعاونی‌ها - نظریه، فرآیند و اجرا. ترجمه اصغر بیات. تهران: انتشارات پایگان.
۲۴. وزرات تعاون، معاونت تحقیقات، آموزش و ترویج. (الف ۱۳۸۵). اصول و رویکردهای تعاون در قرن بیست و یکم. ترجمه: مرجانه سلطانی. تهران: انتشارات پایگان.
۲۵. وزرات تعاون، معاونت تحقیقات، آموزش و ترویج، دفتر آموزش. (۱۳۸۳). پیشرفت و توسعه تعاونی‌ها. ترجمه اصغر بیات. تهران: انتشارات پایگان.
26. Amini, A.M., & Hamedani, Z.A., & Ramezani, M. (2008). Assessment of the most important intra-organizational factors on success of the tehran's poultry agricultural cooperatives *J.Sci.Technol. Agri. Natural Res.*, 12(1).
27. Amodeo, N.P. (2001). Be more cooperative to be more cooperative. *J. Agricul. Cooperation*, 29(2), 115-124.
28. Beaver, G. (2002). *Small business, entrepreneurship and enterprise development*. London: Financial Times/Prentice-Hall.
29. Bruynis, C. & Goldsmith, P.D., Hahn, D.E & Taylor, W. J. (1997). Critical success factors for emerging agricultural, Marketing cooperatives. *Journal of Cooperatives*, 16, 14-24.
30. Buttner, E. H., & Moore, D. P. (1997). Women's organizational exodus to Entrepreneurship: Self-reported motivation and correlates with success. *Journal of Small Business Management*, 35 (1), 34-46.

31. Carlo, R., Weatherspoonb, D. C. & Petersonb, M. S. (2000). *Effects of manager's power on capital structure: A study of Italian agricultural cooperatives*. International Food and Agribusiness Management Review.
32. Chandrasekera, C.H.M.T., & Colombo, S.L. (1990). *Fishery cooperatives in Asian countries*. This paper has been prepared under the contract offered by the Regional Office for Asia and the Pacific. (RAPA).
33. Cobia, D. W., & Novarro, L. A. (1972). *How members feel about cooperatives*. Ag. Econ. Research Report 86, Department of Agricultural Economics, North Dakota State University, Fargo, ND.
34. Didi, B. (2004). *Short communication fishing cooperatives participation in managing nearshore resources: The case in Capiz*. Central Philippines, Fisheries Research.
35. Erdman, D., & Coates, D. E. (2005). *The Genesis of Train-to-Ingrain. Interview (Audio)*. Retrieved from <http://www.train-to-ingrain.com/resources/genesis.asp>.
36. Gabriel, S. J. (2002). *Belize rural woman's association revolving loan fund and woman's cooperatives*. United Nations Development Programme Report. New York: United Nations.
37. Guinnane, T., & April, W. (2002). *Regional organization in the German cooperative banking system in the Late 19 the Century*. Department of Economics. Yale University. Pp: 248-249.

38. Hakelius, K. (1996). *Cooperative values – farmer's cooperatives in the minds of the farmers*. Dissertation No. 23. Uppsala: Swedish University of Agricultural Sciences.
39. Harda, N. (2003). Who succeeds as an entrepreneur? an analysis of the post-entry performance of new firms in Japan. *Japan and the World Economy*, 15(2), 211–222.
40. Hornaday, J. A., & Bunker, C. S. (1970). The nature of the entrepreneur. *Personnel Psychology*, 23, 47-54.
41. Hornsby, J. S., Naffziger, D.W., Kuratko, D. F., & Montagno, R. V. (1993). An interactive model of the corporate entrepreneurship process. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 17(2), 29-37.
42. International Cooperative Allcanc. (2000). pp 5-56.
43. International Labour Office (ILO) (2001). *Promotion of cooperatives job creation in small and medium-sized enterprises Fifth item on the Agenda*. International Labour Conference 89th Session 2001 Report V. (1), Geneva First published, Printed in Switzerland.
44. John, L. J., & Adrian, T. W. G. (2001). Agricultural cooperative managers and the business environment. *Journal of Agribusiness*.
45. Lumpkin., G. T. & Dess, G. G. (1996). Clarifying the entrepreneurial orientation construct and linking it to performance. *Academy of Management Review*, 21 (1), 135-172.

46. Narayan, D. (1995). *The contribution of people's participation: Evidence from 121 rural water supply projects*. Washington, DC: International Bank for Reconstruction and development.
47. Nyoro, J., & Isaac, K. (2005). *An analysis of success, failure and demand factors of agricultural cooperatives in Kenya*. In: Strategies and Analysis for Growth and Access. A Project of Cornell and Clark- Atlanta Universities for Research and Technical Assistance. Ithaca: Cornell University.
48. Prakash, D. (1994). *Our civil society co-operatives*. New Delhi: India International Cooperative Alliance.
49. Robertson, M. et al. (2003). Barriers to start-up and their effect on aspirant entrepreneurs. *Education & Training*, 45(6), 308-316.
50. Russoa, C. D., Weatherspoonb, C., Peterson, B., & Sabbatinia, M. (2000). Affects of manager's power on capital structure: A study of Italian agricultural cooperatives. *Intl. Food and Agribusiness Manage. Rev.*, 3, 27-39.
51. Timmons, J. A. (1987). Trends small business management and entrepreneurship education in the United States. *Entrepreneurship Theory & Practice*, 15(3), 25-39.
52. Watson, K. S., Hogarth, S., & Ulitson, N. (1998). Small business start-ups: Success factors and support implications. *International Journal of Entrepreneurial Behavior and Research*, 4(3), 217-238.
53. Zhu, S.H., & Leonard, P. (1998). *Apedaile cooperative organization in rural Canada and the agricultural cooperative movement in China*. Saskatoon SK.Center for the study of Cooperatives University of Saskatchewan.

Analysis of Personality Factors on Production Cooperatives Success

Sh. Karami^{1*}, *H. Agahi*²

Received: 18/05/2014

Accepted: 22/10/2014

Abstract

The purpose of this study was to analyze the personality factors affecting the success of production cooperatives in Kermanshah Province. This research conducted a path analysis technique. The methodological approach used in this study was a descriptive-correlational. Two hundred twenty members of the production cooperatives were the subjects of this research. Information gathered through questionnaire, and validity of the instrument was achieved by a panel of experts. A pilot-test was conducted Cronbach's alpha coefficient (0.87) was gained. Results of the path analysis showed, complicated communications between various variables which was in turn showing the assumption of the absence of a simple communication and showed, personality factors, in addition to, direct effects had an indirect effects via social-cultural factors, management factors, economic factors, in success of production cooperatives. Based on results, spirit of flexibility had even further indirect effect and the least direct effect on the contrary; interest to cooperatives success. Total effect indicated that personality factors had a significant role in success of production cooperatives

Keywords: Personality Factors, Success, Production Cooperatives, Path Analysis

1. Ph.D. Student, Department of Agricultural Development, Razi University, Kermanshah, Iran

*Corresponding Author

E-mail: shohrhkarami@yahoo.com

2. Associate Professor, Department of Agricultural Extension and Education, Razi University, Kermanshah, Iran